

گزارشی از یک مراسم عزاداری در فرانسه که در آن شیعیانی از چهار گوشه دنیا حضور دارند

صدای عزای حسین علیه السلام را از پاریس می‌شنوید!

بعد از چند هفته غیبت توفیق شد که باز هم در صفحه فرامرزن نامه همراه شما باشیم. از آن جا که متناسب با ایام شهادت این شماره هم حال و هوای محرم را گرفته در خدمت ما ارائه گزارشی از کم و کیف برگزاری عزاداری برای ابا عبا... و اصحاب بزرگوارش (علیهم السلام) در کشوری لاییک و دین‌گریز. اینجا فرانسه است، صدای ما را از پاریس می‌شنوید!

فائزه آشتیانی

خبرنگار قفسه
کتاب در پاریس

این هم حسینیه کوچک ما در پاریس که عزادارانش تنوع عجیبی در ملیت و زبان دارند. حسین (ع) اما وای همه مرزهاست

غدير؛ تابد نقطه عطفی برای تاریخ

نمی‌دانم شما تا به حال این دو ماه شور و شعور حسینی را بیرون از جغرافیای ایران تجربه کرده‌اید یا نه. من اما سال‌ها تجربه‌اش کرده‌ام. بگذارید همین اول حجت را بر شما تمام کنم و بگویم برای کسی که هر سال شب اول محرم پیراهن سیاهش را تن می‌کند و شب آخر صفر با هزار غم و اندوه بیرون می‌آورد و با التماس خدا را قسم می‌دهد که سال دیگر هم عجل مهلتش بدهد تا لذت عاشقی کردن را به جان جرعه جرعه بنوشاند، بزرگترین عذاب نفس کشیدن در هوایی است که شب‌هایش را دود اسفند سفید نمی‌کند و کوچه خیابان‌هایش با آن اسامی شریف و عزیز زینت نمی‌گیرد. مگر می‌شود محبت حضرت حسین (علیه السلام) در دلت نشسته باشد و قلبت مجاله نشود از دیدن مردمانی که به وقت شهادت سرگرم روزمرگی‌های خودشانند و مثل هر روز و همیشه این طرف و آن طرف پرسه می‌زنند. این حرف‌ها را تا تجربه نکنی نمی‌فهمی. مثل ماهی‌های در آب که قدر آب را زمانی می‌فهمند که بیرون آن دست و پا بزنند؛ البته شرایط این روزها بی‌تأثیر نبوده در تفهیم این قدر برای ما. حالا همه ما خیلی خوب فهمیده‌ایم چقدر به حضور در مجالس این چنینی نیازمندیم و اگر نباشند چقدر کم داریم‌شان. خودخواهی است و نباید بگویم اما شما که غریبه نیستید، این که این دو سال وضعیت ما و شما تا حد زیادی مشابه هم شده، قوت قلب ماست به این که همگی دردی مشترک داریم و در این غربت تنها نیستیم اما این حکایت نقاط روشنی هم دارد؛ ما در اوج غربت خیلی هم غریب نیستیم. می‌خواهم امروز به عنوان مهمان‌هایی ویژه دعوت‌تان کنم به «بزرگداشت سالار شهیدان» در انجمن الغدير، مرکز اسلامی شیعیان لبنان.

هوار از ما بگیر روضه‌ات را نه

سه روز قبل شروع محرم اطلاعیه‌اش را فرستادند در گروه. گروهی با عنوان «شیعیان فرانسه» که ۵۶ عضو از سراسر دنیا دارد. زیر پوست مراسم نوشته بود: «عزاداری به مناسبت بزرگداشت سالار شهیدان به مدت ۱۳ شب» بعد ساعت، یادآوری رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی ماسک و فاصله اجتماعی و اطلاعات تکمیلی‌تر. امسال برخلاف سال

پیش تصمیم‌بر این شده که مراسم این مرکز به صورت حضوری برگزار شود. از اواخر ماه می یعنی حدود دو ماه پیش که قرنطینه رسماً به پایان رسید و محدودیت‌ها یکی یکی برداشته شد حسینیه‌هایی که از قبل مجوزهای لازم را دریافت کرده بودند هم اغلب فعالیت‌شان مجدداً سرگرفته شد با قرائت دعای کمیل هر پنجشنبه شب‌ها و حالا یک دهه عزاداری برای سیدالشهدا. (این را هم محض اطلاعات بیشتر شما بگویم که در پاریس چند حسینیه معروف وجود دارد که تا پیش از کرونا به صورت هفتگی فعال بودند و هر کدام متعلق به ملیت‌های مشخصی هستند البته به دلایل سیاسی و حاکمیتی همه در حاشیه شهرند نه در مرکز شهر. مثلاً حسینیه بیت‌المهدی که برای الجزایری‌هاست در منطقه‌ای پهنه تاسیس شده، مرکز اسلامی ایرانیان که مکان ثابتی ندارد و همین الغدير که منتسب به لبنانی‌هاست و در مونتروی واقع شده است)

با هر زبان که بخوانی دل می‌بری

«آلمانی قدبلند اما هیچ نمی‌فهمید از روضه. گوش مترجم روی گوشش بود. پسرک مترجم افغان این جور وقت‌ها توی ایوان بالای سالن گرد مسجد می‌نشست و حرف‌های مداح و سخنران را ترجمه همزمان می‌کرد. دیدمش که داشت سینه می‌زد. برای لحظاتی به حیرانی و گیر افتادگی تازه مسلمان وسط دایره زیرپوش‌های سفید چشم دوخته بود و از ترجمه جا مانده بود. روضه خوان رسیده بود به اتمام حجت امام با جماعت اندک یارانش در شب عاشورا. توی چهره مترجم روی ایوان بالایی بغض پیدا بود. لابد صدایش توی گوش پسرک آلمانی مرتعش بود وقتی می‌گفت که امام گفته شب است، تاریک است، من نمی‌بینم‌تان، راه‌تان را بکشید و بروید.» کتاب رستاخیز را اگر خوانده باشید روایت پانزدهم می‌رسید به این چند خط. شب دوم محرم وقتی وارد حسینیه شدم تجسم این خطوط را مقابل چشم دیدم. سخنران که خطبه‌هایش را به زبان عربی برای حضار می‌خواند، مترجم که در اتاق مخصوص برای خارجی‌ها ترجمه همزمان انجام می‌داد و خارجی‌هایی که متمرکز شده بودند و از داخل گوشی‌های روی سرشان مراسم را دنبال می‌کردند. عزاداری در کشور ثالث هم ملزومات عجیب و غریبی دارد! تا یادم نرفته این

را هم بگویم همانطور که پیشتر در پوستر اعلام شده بود جلسات با رعایت تمام نکات بهداشتی برگزار می‌شود، اهتمام ویژه به فاصله‌گذاری اجتماعی، ماسک و محلول ضد عفونی - همراهان همیشگی این روزهای ما - جلوی در اصلی هنگام ورود. در طول این سیزده شب، مراسم با قرائت زیارت عاشورا شروع می‌شود با سخنرانی ادامه پیدا می‌کند و بعد از سینه‌زنی، قرائت زیارت وارث و دعای فرج به پایان می‌رسد. از خارجی‌هایی که با گوشی‌های مترجم مراسم را دنبال می‌کنند شنیدید از مداح‌هایی هم بشنوید که به قول خودشان لطمیه را به دو زبان عربی و فرانسه می‌خوانند. از دیگر عجایب عزاداری در کشور ثالث هم این که همزمان ارادتت را به حضرت حسین (علیه السلام) به چند زبان ابراز می‌کنی. این مورد را با عزاداری‌های لاکچری یکی نگیرید؛ ابدا بحث این حرف‌هانیست. پراکندگی محیطی شرکت‌کنندگان، مسوولان امر را به این تدبیر می‌کشاند که اکثریت را ملاک قرار بدهند برای برنامه‌ریزی‌های در اجرا. این طور حاصل جمع لبنانی، ایرانی، افغان، تونسی، فرانسوی، الجزایری مراکشی، آفریقایی و... می‌شود سینه‌زنی عربی - فرانسوی.

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

نهدد کلمه را برای شما نوشته‌ام. از اینجا به بعد می‌خواهم کمی با حضرت حسین (علیه السلام) حرف بزنم. سلام ارباب... سلامی به بلندای ۱۴۰۰ سال. حتما خودتان می‌دانید و می‌بینید که هر شب در یک نقطه از این شهر عده‌ای از دل سوختگان‌تان دور هم جمع می‌شوند تا از شما بخوانند و بگویند. جمع اندک خودمان را ضرب می‌کنم در پهنای کره زمین و به تعداد همه شهرها و کشورها. نتیجه می‌شود رقم عجیبی که توان تصور کردنش بار بزرگی است برای ذهن‌های کوچک ما. در عوض در دست شماست حساب دقیق تک‌تک‌شان. برای خودم ناشکری نمی‌کنم که خوب می‌دانم همین مجالس کم سروصدای بی حاشیه به محض شکایت چند نفر ممکن است از ما گرفته شود اما قبول کنید روزگاری سختی بر شیعه می‌گذرد. خیلی سخت. در هر کجای عالم؛ از شرق تا غرب... نگذارید تنهایی و غربت ما را با خودش ببرد. دریابید این شیعیان سر و پا تقصیر را...!